

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۶/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۰۲

(صفحه ۲۱۹-۲۲۷)

## معرفی شکوفه‌زار سراج‌الدین علی‌خان آرزو

زرنوش مشتاق\* - دکتر حمید طاهری\*\* - دکتر محمد سلیم مظهر\*\*\*

### چکیده

شکوفه‌زار یکی از شروح معتبر اسکندرنامه نظامی گنجه‌ای است. این شرح متعلق به سراج‌الدین علی‌خان آرزو، ادیب و منتقد برجسته قرن ۱۲ ق شبه‌قاره، است. شرح اسکندرنامه از نظر تعدد نسخه‌های خطی و کتابت و نیز از نظر محتوا و روش‌های شرح با نگاه انتقادی به متن و شروح پیش از خود و گزارش و بررسی ابیات اسکندرنامه با رویکردهای بلاغی و زیبایی‌شناسی و زبانی و به‌ویژه معناشناسی و ریشه‌شناسی واژه‌ها، حائز اهمیت است و از این منظر تحقیقی مستقل می‌طلبد.

**کلیدواژه‌ها:** شکوفه‌زار، شرح اسکندرنامه، نظامی گنجه‌ای، خان آرزو، شبه‌قاره.

\* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) (نویسنده مسئول).  
Zarnooshm0@gamil.com

\*\* دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).

\*\*\* استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پنجاب لاهور.

## مقدمه

سراج‌الدین علی‌خان اکبرآبادی گوالیاری، ملقب به «استعداد خان» و معروف به «خان آرزو» (۱۰۹۹-۱۶۹۱ق / ۱۶۸۵-۱۷۵۶م) ادیب، عارف، لغت‌نویس، منتقد، شارح و شاعر برجستهٔ فارسی‌گوی معروف هندی بود که آثار مختلفی در زمینه‌های متعدد ادبی از خود به یادگار گذاشته است. او چند شرح بر متون کهن از جمله گلستان سعدی (با عنوان خیابان گلستان)، قصاید عرفی و گل کشتی میرنجات قمی دارد و شکوفه‌زار از دیگر شروح مهم اوست که بر اسکندرنامۀ نظامی گنجه‌ای نوشته است (در مورد زندگی و آثار آرزو نک: ریحانه خاتون، ص ۹-۲۸۷؛ رحیم‌پور، ص ۵-۳۴).

با وجود اینکه خان آرزو در شرح اسکندرنامه روشی انتقادی دارد، تعداد اندکی از محققان به بررسی این شرح پرداخته‌اند. تصحیح علمی این اثر برای نظامی‌شناسان یا علاقه‌مندان به حوزهٔ ادبیات می‌تواند مفید باشد.

## روش شرح در شکوفه‌زار

آرزو در شکوفه‌زار، که در واقع شرحی است بر نیمۀ اول اسکندرنامۀ نظامی، بر حدود شش هزار بیت شرح نوشته و در آن نقد هم به عمل آورده است.<sup>۱</sup> این اثر در سال ۱۲۷۷ق در حاشیۀ اسکندرنامه در بمبئی به چاپ رسیده است. همچنین ملاغیاث‌الدین در شرح اسکندرنامه، شکوفه‌زار را نیز شامل کرده است (رحیم‌پور، ص ۲۳؛ منزوی، ج ۱، ص ۱۴۱). مطلب مهم در شرح اسکندرنامۀ خان آرزو این است که او علاوه بر شرح ابیات به بیان نارسایی‌ها و نواقص شرح‌های قبل از خود پرداخته است؛ به‌عنوان نمونه در مورد این بیت:

دلا تا بزرگی نیاری به دست      به جای بزرگان نباید نشست

می‌نویسد: «بعضی از فضلا نباید نشست به یای تحتانی گرفته‌اند، به معنی نشست ممکن نیست. و این خالی از استعجاب نیست و حق آن است که به بای تازی باشد و اگر به بای فارسی گفته شود نیز درست می‌گردد، لیکن به خلاف مشهور متعارف است» (آرزو، گ ۱۶).

۱. این متن یک بار توسط محمد حصارى از دانشجویان کارشناسی‌ارشد دانشگاه علامه طباطبایی به تاریخ ۱۳۹۲، به راهنمایی دکتر عباسعلی وفایی، در قالب پایان‌نامه تصحیح گردیده و بار دیگر در همان سال به کوشش زهرا ابراهیم‌اوغلی‌خیایو با عنوان شکوفه‌زار (شرحی بر شرفنامهٔ نظامی) به وسیلهٔ انتشارات سفیر ارده‌ال تصحیح و منتشر شده است.

## در جای دیگر می‌گوید:

«حدیث اسرافیل... یعنی از غرابی که اسکندر در ظلمات دید، حدیث اسرافیل در دست داشت و حکایت مذکور در شاهنامه مسطور است. مراد از گوینده، فردوسی، علیه الرحمة، خواهد بود. مخفی نماند که عبارت زمی می‌شد از دور، خالی از بی‌فهمی نیست و ظاهراً راه دوم، رای است به معنی عقل؛ یعنی حدیث دیدن سکندر اسرافیل را صور در دست در ظلمات، بگفتم که این از رای و عقل دور می‌نمود؛ زیرا که بودن این قسم فرشته مقرب حضرت الوهیت در زمین، چه معنی دارد و آنچه خیر الشارحین که راه سخن از جادهٔ اعتدال و اختصار دور می‌افتاد، تکلف محض و توجیه طالب‌علمانه است، نه شاعرانه و یکی از شارحان نوشته که راه به معنی قاعده و نغمه و هوش است؛ یعنی سخن دیدن سکندر حضرت اسرافیل و سوق را بگفتم؛ زیرا که اختصار از سخن دور می‌شد؛ یا نغمه یا هوش از قاعده دور می‌شد و توجیه اول همان تقدیر سابق است و دیگر خالی از ضعف نیست» (همان‌جا).

خان آرزو برای اثبات نظریات خود در شرح اسکندرنامه گاهی به آیات، احادیث، اقوال و اشعار شاعران دیگر به‌ویژه فردوسی، سعدی و حافظ و استناد می‌کند. البته گاهی در برخی تفاسیر خود نام شاعر را نمی‌آورد و حتی در مواردی شعرهای این شعرا را که به‌عنوان شاهد می‌آورد، نقد می‌کند (همو، گ ۶). به‌عنوان مثال در شرح بیت زیر:

اگر پای پیل است، اگر پرّ مور      به هر یک تو دادی، ضعیفی و زور

او پس از توضیح و تفسیر این بیت، به یک بیت سعدی استشهاد کرده است:

اگر کشورگشایی کامران است      وگر درویش حاجتمند نان است

(همو، گ ۳)

شیوهٔ آرزو در شرح آثار این است که صورت کامل بیت یا عبارت مورد نظر را نمی‌آورد و پس از عبارت «قوله»، تنها دو یا سه کلمه از ابتدای آن را نقل می‌کند و با کلمهٔ «الخ» آن را نیمه‌تمام گذاشته به شرح و تفسیر آن می‌پردازد.

وی تلاش کرده از مصنوع‌نویسی و تکلف دوری جوید و سبکی ساده داشته باشد؛ اما در برخی مواقع ابهام و پیچیدگی‌هایی در نوشته‌هایش وجود دارد و برخی جملات در شرح بی‌ربط به نظر می‌آید و نیز در مواردی آشفتگی در شرح وی موجود است؛ به‌طوری که هنوز شرح یک بیت را تمام نکرده، به تفسیر بیت بعدی می‌پردازد. او در مواردی بر خود نظامی ایراد قیاسی گرفته و از لحاظ قاعده‌ای فلسفی یا منطقی به نقد شاعر پرداخته است.

آرزو در برخی موارد به ریشه‌های واژه‌ها و فلسفه معنایی ابیات و نیز ساخت دستوری برخی واژه‌ها همانند این شعر می‌پردازد:

تویی گوهرامی چار آخشیج      مسلسل‌کن گوهران در مزیح

در اینجا وی به ریشه آخشیج و مزیح و تفسیر ریشه واژه‌ها (حتی عربی) نیز پرداخته است.

سبک نوشتار آرزو در شرح اسکندرنامه ساده و بی‌پیرایه و نثری علمی است. در آن تکلف و تصنع به چشم نمی‌خورد؛ اما چون زبان او زبان فارسی شبه‌قاره است، هم در ساخت نحوی و هم در واژه‌ها، ضعف‌هایی دارد که آن را می‌توان از هنجارهای زبان فارسی در شبه‌قاره دانست که در جای خود ارزش تحقیق دارد. مثلاً کاربرد بن ماضی با همکرد «کرد» در معنی اسمی برای ساخت فعل مرکب به جای استفاده از بن مضارع در معنای اسم؛ چنان که می‌گوید: «یعنی آن حضرت از بس که به تعجیل شتافت کرد، کسی از آن‌ها که گردبرگرد آن حضرت بودند...» (آرزو، گ ۷) به جای واژه «شتاب» از «شتافت» استفاده کرده است.

احاطه آرزو بر کلام نظامی و تسلط او بر مباحث کلامی و فلسفه و اشرافش بر واژه‌ها و تعبیر زبان فارسی، بسیار مشهود است. اظهار نظرهایی که در ساخت و معنای واژه‌ها و ترجیح خوانشی بر خوانش دیگر می‌کند، تحسین‌برانگیز است؛ برای مثال: «و اگر پرتاب مأخوذ از پرتافتن به معنی دور افکندن گرفته‌اند، نیز درست می‌شود و در این صورت، به فتح اول باشد».

همچنین تسلط شارح بر مباحث و فنون و شگردهای دانش بلاغی و زیبایی‌شناسی، وجه امتیازی شاخص برای شرح وی از سایر شروح است و همین باعث می‌گردد که تحلیل و تفسیر درست و پسندیده‌ای از ابیات اسکندرنامه به دست دهد؛ مثلاً: «تئیدن در اینجا به معنی تافتن است و اطلاق آن بر حد مجاز است که جد را به لباس تشبیه داده، پس استعارة به کنایه خواهد؛ یعنی با آنکه روحانیون همه نور بودند، آن حضرت جدهای نور دیگر به آن‌ها بخشید؛ نور که گویا جد بود».

آرزو در بین منتقدان شبه‌قاره یکی از مهم‌ترین کسانی است که به حوزه تصحیح متن کاملاً آشناست و لابه‌لای آثارش، به‌ویژه شروحي که بر متون مهم فارسی نگاشته، گاه به

تصحیح عبارات و اصلاح ضبط‌هایی که شارحان نوشته‌اند یا کاتبان اعمال کرده‌اند، پرداخته است. در مورد شیوه آرزو در زمینه تصحیح متون باید گفت وی ظاهراً چند دست‌نویس از یک متن را برمی‌گزیند و شرح خود را بر پایه آن‌ها قرار می‌دهد. وی، هر چند به دست‌نویس‌های قدیمی‌تر توجه دارد، درصدد انتخاب نسخه اساس یا ضبط عبارت و واژه‌ای بر اساس نسخه خاصی نیست، بلکه از لابه‌لای نسخ متعدد، ضبطی را که در توجیه شرح خویش مناسب می‌یابد انتخاب می‌کند. اساس انتخاب و ترجیح ضبطی بر ضبط دیگر را، نه قدمت و اصالت نسخه، بلکه استنباط شخصی یا اجتهاد خود آرزو تعیین می‌کند. بنابراین حتی اگر کهن‌ترین دست‌نویس نیز در اختیارش باشد، باز هم آن ضبطی را پیشنهاد می‌کند که با تحلیل‌هایش برای شرح متن مورد نظر تناسب داشته باشد (در مورد تصحیح متون به وسیله آرزو و شیوه‌ها و نمونه‌ها نک: رحیم‌پور و اسداللهی، ص ۲۶-۳۱)؛ برای نمونه در جایی می‌گوید:

«چو شد حجتت بر خدایی درست / خرد داد بر تو گواهی نخست

... در بعض نسخ در مصرع دوم به جای «نخست»، «درست» واقع شده، پس بنای قافیه بر قیاس مصراع<sup>۱</sup> اول خواهد بود، لیکن این نسخه خالی از تکلف نیست» (آرزو، گ ۳).  
نمونه‌های دیگر:

«دران رهگذرهای اندیشه‌ناک / پراکنده شد از سرم مغز پاک

در بعض نسخ مغز خاک واقع است و خیر الشارحین آن را توجیهاً<sup>۲</sup> بسیار کرده‌اند و حق آن است که آن تصحیف است و پاک به بای فارسی به معنی تمام و مغز موقوف؛ و آنچه در بعض نسخ «بر سرم» واقع است نیز غلط، و صحیح «در سرم» است» (همو، گ ۲۵).

«چو پایان پذیرد حد کائنات / نماند در اندیشه دیگر جهات

بهترین نسخ آن است که مصرع دوم چنین باشد: «نیاید در اندیشه دیگر جهات»؛ و اینکه در بعض نسخ حیات به معنی زندگی واقع شده، ظاهراً تصحیف است؛ یعنی چون حد کائنات منتهی شود... دیگر جهات در آنجا داخل نباشد» (همو، گ ۱۰ پ)

«چو زین جایگه عزم دروازه کرد / به دستش فلک خرقة را تازه کرد

... در بعض نسخ «خانقه» به جای «جایگه» واقع است و این بهتر است و مناسب به لفظ خرقة» (همو،

گ ۱۸).

۲. اصل: توجیهاً.

۱. اصل: بیت.

### نسخه‌های خطی شرح اسکندرنامهٔ نظامی

۱. نسخهٔ «الف» (PEII2B. لاهور) به شمارهٔ ۴۳۲۱-۵۶ ثبت گردیده است. این دست‌نویس متعلق به کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه پنجاب لاهور پاکستان است (عارف نوشاهی، ج ۳، ص ۲۲۲۸) و در اصل یکی از قدیمی‌ترین نسخ تاریخ‌دار از شرح اسکندرنامه است که در دست داریم. این نسخه انجامه دارد و تاریخ کتابت آن در آخرین برگ چنین است: «از خبر شیرین و گوارا و الحمد لله تعالی که بر لفظ گوارا این نسخه اتمام یافت. تمام شد شرح اسکندرنامه از مصنفات مولانا سراج‌الدین علی‌خان آرزو به تاریخ نهم شهر ذی‌الحجه، یوم سه‌شنبه ۱۲۵۳ هجری به خط احقر الانام، فهیم‌الدین ولد شیخ امام‌بخش - غفر الله ذنوبه و ستر عیوبه- ساکن قصبهٔ کرنال صورت اختتام پذیرفت» (آرزو، گ ۱۷۸). دست‌نویس، به خط نستعلیق و شکسته و در ۱۷۸ برگ است و هر برگ دربرگیرندهٔ دو صفحه است. هر صفحه ۲۱ سطر دارد. در این نسخهٔ خطی شمارهٔ صفحه وجود ندارد؛ اما رکابه دارد؛ به این معنی که اولین کلمهٔ صفحهٔ بعد در قسمت زیرین صفحه نوشته شده است.

۲. نسخهٔ علیگر هند، به شمارهٔ ۱/۳۰۹ متعلق به کتابخانهٔ مولانا از دانشگاه اسلامی علیگر هند، قدیمی‌ترین نسخهٔ تاریخ‌دار از شرح اسکندرنامهٔ سراج‌الدین علی‌خان آرزو است که در دست داریم. تاریخ کتابت آن در آخرین برگ این دست‌نویس، دیده می‌شود «بحمد الله تعالی تمام شد به روز جمعه به تاریخ سیوم شهر شعبان معظم سنهٔ ۱۲۵۰ به وقت صبح» و این بیت را کاتب در انتها آورده است:

قاریا بر من مکن چندین عتاب گر خطایی رفته باشد در کتاب

نسخهٔ مذکور دارای ۳۶۴ برگ است و هر صفحه به‌طور متوسط ۱۹ سطر دارد و نوع خط آن نستعلیق است. این تنها نسخه‌ای است که افتادگی ندارد و اکثر بیت‌ها در آن به‌طور کامل نقل شده است. با وجود این، نسخهٔ مذکور، دارای اغلاط بسیاری است که نشان از بی‌سلیقگی و تاحدودی کم‌سوادی کاتب دارد.

۳. نسخهٔ «ب» (PEII3C) به شمارهٔ ۱۰۲۶ متعلق به کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه پنجاب لاهور است. از آنجا که صفحهٔ آخر این دست‌نویس افتاده است، تاریخ کتابت و کاتب آن مشخص نیست. این نسخه در تاریخ ۲۲ ربیع‌الاول ۱۲۹۵ ق، توسط شخصی که احتمالاً

نامش محی‌الدین بوده، خریداری شده و سپس به کتابخانه پنجاب لاهور اهدا شده است. خط این نسخه نستعلیق شکسته است و به نظر می‌رسد از نسخه «الف» توضیحات بیشتری دارد و گاهی خواناتر از آن است. هرچند اشتباهات نسخه قبلی را همچنان در خود دارد. این دست‌نویس شماره صفحه ندارد؛ اما ۲۶۱ برگ دارد و هر صفحه آن حاوی ۱۷ سطر است. برخی از صفحات نسخه «الف» را که ساقط گردیده، در این دست‌نویس می‌توان یافت. مثلاً صفحه ۷ در «الف» موجود نیست؛ اما در صفحه ۱۱ این نسخه می‌توان آن را یافت.

۴. نسخه «ج» به شماره ۱۴۳۷-۸۹۰ به صورت دیجیتال در مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، کتابخانه داتا گنج‌بخش نگهداری می‌شود. کاتب این دست‌نویس، که در ۵۵۶ صفحه به خط نستعلیق در سال ۱۹۱۲ کرمی استنساخ شده، محمدحسن در چک کهوکهران بخش سیالکوت است. نسخه از وضوح و خوانایی خوبی برخوردار است؛ اما نسبت به نسخه «الف» در آن حذفیات و فشردگی یا اختصار بیشتری دیده می‌شود. ابتدای صفحات دست‌نویس افتادگی دارد و علاوه بر آن آسیب‌دیدگی‌های بسیاری در صفحات به چشم می‌خورد.

۵. نسخه «د» به شماره ۱۰۵۲۰ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی ایران نگهداری می‌شود. نام کاتب آن مشخص نیست. در این دست‌نویس کاتب اشعار اسکندرنامه را به‌طور کامل نقل کرده؛ اما شرح را با اختصار بیشتری آورده است؛ لذا فشردگی و خلاصه بودن شرح را در این نسخه شاهد هستیم. دست‌نویس در ۲۸۱ برگ و هر برگ حاوی دو صفحه ۱۹ سطری به خط نستعلیق است. در صفحاتی از نسخه در زیر برخی از کلمات خط کشیده شده و تأکید آن بیشتر بر شرح مقوله‌های دستوری است تا تفسیر معنایی. کاتب در حاشیه، متن شرح گلستان سعدی را نیز آورده است. تفاوت دیگر این دست‌نویس در ذکر عنوان برای شرح‌هاست؛ در حالی که در نسخه‌های قبلی، شاهد عنوان برای مطالب نبودیم؛ اما این دست‌نویس حاوی حدود ۸۰ عنوان است. در حاشیه این نسخه، تاریخ کتابت آن را ۲۷ ذی‌الحجه ۱۳۲۲ ق ثبت کرده‌اند و تاریخ اختتام آن را ربیع‌الاول ۱۳۶۳ ق با نام «ملک الوهاب» نوشته‌اند؛ اما در فهرست نسخ خطی کتابخانه مجلس، تاریخ کتابت آن را ۱۲۹۳ ق نوشته‌اند. شرح ۱۰۲ بیت از اشعار اسکندرنامه به دست کاتب حذف شده است.

۶. نسخهٔ «ه» به شمارهٔ ۶-۲۳۸۱۲ در مطبوعهٔ فضل‌الدین کهمکر در بمبئی هند به سال ۱۲۶۱ق/۱۸۴۵م به خط نستعلیق به چاپ سنگی رسیده است. این دست‌نویس دارای ۵۴۸ صفحه است که نویسندهٔ متن اصلی اسکندرنامهٔ نظامی کاتب جگن تاتپه دهلوی و مصححان آن ابراهیم صاحب خطیب و ملا داوود جمل هستند. در پایان آن نوشته شده است: «اختتام پذیرفت نسخهٔ شرح اسکندرنامه به تاریخ نهم شهر رمضان المبارک سنهٔ هجرية النبوية».

۷. نسخهٔ «و» به شمارهٔ ۹۱، در دانشگاه پیشاور است. دست‌نویس به خط نستعلیق خوش و تاریخ کنابت آن ۸ شعبان ۱۱۷۰ق است. این نسخه آغاز دارد و انجام آن مشخص است و هدایای امتیاز حسین به کتابخانهٔ دانشگاه پیشاور پاکستان است. البته دستیابی به این نسخه با وجود تلاش و پیگیری ممکن نشد و به نظر می‌آید نسخه از بین رفته است؛ گرچه مشخصات آن در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ دانشگاه ثبت شده است.

### نتیجه‌گیری

در این نوشته به معرفی شکوفه‌زار و هفت نسخهٔ موجود از آن پرداختیم. خان آرزو به‌خوبی از واژه‌های اسکندرنامهٔ نظامی شناخت داشته و به شرح و تفسیر ریشه‌های آن‌ها، چه کلمات فارسی و چه عربی، پرداخته است. آرزو هر جا لازم دانسته، به دلیل اشراف و تسلط بر منابع و متون مختلف، شاهد و مثالی از قرآن کریم، احادیث نبوی و اشعار شعرا آورده است. وی در شرح از اطناب و زیاده‌گویی دوری جست و نهایت تلاش خود را در اختصار و ساده‌گویی مصروف داشته است. در برخی مواقع نیز از واژه‌های هندی در شرح اسکندرنامه بهره برده؛ زیرا معتقد بود استفاده از هندی در زبان فارسی بلامانع است. نکتهٔ مهم در شرح آرزو این است که او علاوه بر شرح برخی ابیات اسکندرنامه به نارسایی و نواقص شرح‌های قبل از خود پرداخته است. از میان هفت دست‌نویس معرفی‌شده در این نوشته، قابل‌اتکاترین نسخهٔ موجود از شکوفه‌زار نسخه‌ای است که با نشانهٔ اختصاری «الف» در وصف آن سخن گفته‌ایم و شایسته است نسخهٔ اساس تصحیح این متن ارزشمند قرار گیرد.



## منابع

- آرزو، سراج‌الدین علی‌خان، شرح اسکندرنامه نظامی، کتابخانه مرکزی دانشگاه پنجاب، لاهور، پاکستان، شماره PEH2B، کتابت ۱۲۵۳ ق.
- رحیم‌پور، مهدی، بر خوان آرزو (گفتارهایی در زمینه نظریه‌های ادبی و زبان‌شناختی سراج‌الدین علی‌خان آرزو)، مجمع ذخایر اسلامی، قم، ۱۳۹۱.
- \_\_\_\_\_ و خدابخش اسداللهی، «سراج‌الدین علی‌خان آرزو از پیشگامان نقد ادبی در شبه‌قاره»، شبه‌قاره، ش ۸، ۱۳۹۷.
- ریحانه خاتون، احوال و آثار خان آرزو، دانشگاه دهلی، دهلی، ۱۹۸۷.
- عارف نوشاهی، کتاب‌شناسی آثار فارسی چاپ‌شده در شبه‌قاره (هند، پاکستان، بنگلادش)، میراث مکتوب، تهران، ۱۳۹۱.
- منزوی، احمد، ۱۳۶۵، فهرست نسخه‌های مشترک پاکستان، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد، ۱۳۶۵.





پښتونستان د علوم او انسانیت د مطالعاتو د مرکز  
پرتال جامع علوم انسانی